

قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و جنبش های اسلامی جهان اسلام؛ نمونه موردی حزب الله لبنان

کریم عباسی^۱
صمد قائم پناه^۲
حسن شمسینی غیاثوند^۳
دکتر سید اسدالله اطهری^۴

چکیده

قدرت در سده بیست و یکم با شاخص هایی همانند رسانه ها، تولید علم، ارزش ها و هنجارهای اجتماعی و سیاسی و سبک زندگی معنا می یابد. در واقع قدرت داخلی، منطقه ای و جهانی دولت ها با توجه به این شاخص ها صورت بندی می شود. جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به برخی منابع قدرت نرم و هوشمند خود همچون فرهنگ تاریخی، ارزشهای دینی و انقلابی و سیاسی از ظرفیت های خاصی در منطقه برخوردار بوده است. هدف و سوال محوری این پژوهش این است که مهمترین مولفه های تاثیرگذار قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بر جنبش های اسلامی بخصوص حزب الله لبنان کدامند؟ در تجزیه و تحلیل این موضوع مؤلفه هایی مثل اخلاق، شهادت طلبی، معنویت گرایی، علم گرایی، ولایت فقیه، و... مورد تاکید قرار گرفتند. منابع قدرت نرم اسلامی بر جنبش های اسلامی همچون شهادت طلبی، ولایت مداری و استقلال طلبی، بیشترین تاثیرات را بر جنبش های اسلامی از جمله حزب الله لبنان داشته اند. در واقع حزب الله لبنان با تاثیرپذیری از ایران و با ترکیب قدرت سخت و نرم خود یا همان قدرت هوشمند ضمن آنکه اقتدار خود را در سطح داخلی و منطقه ای افزایش داده است، باعث بازتولید و افزایش قدرت و امنیت منطقه ای ایران شده است.

واژه های کلیدی: قدرت نرم، ایران، امنیت ملی، حزب الله، رسانه ها

۱. دانشجوی دکترای علوم سیاسی، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، تاکستان، ایران.

۲. استادیار علوم سیاسی، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، تاکستان، ایران (نویسنده مسئول)
ghampanah@gmail.com

۳. استادیار علوم سیاسی، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، تاکستان، ایران.

۴. استادیار علوم سیاسی، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، تاکستان، ایران.

مقدمه

منابع و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده قدرت نرم انقلاب اسلامی به دلیل ماهیت فرهنگی این انقلاب بسیار فراوان است. با این حال سه منبع دین اسلام، فرهنگ شیعه و جهان‌بینی انقلاب اسلامی را می‌توان منابع عمده و مولد قدرت نرم جمهوری اسلامی عنوان کرد. اصول اعتقادات اسلامی را شاید بتوان به عنوان مهم‌ترین سرچشمه انقلاب اسلامی ایران دانست. یکی از پیام‌های اصلی انقلاب اسلامی همان ورود دین به ساحت اجتماع و سازماندهی زندگی سیاسی و اقتصادی بوده است. در این چهارچوب سیاست باید زمینه‌ساز تحقق ارزش‌های دینی به خصوص دین اسلام باشد. بطور کلی منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی چه در سطح داخلی، منطقه‌ای و جهانی بر اقتدار و امنیت ایران بسیار تاثیرگذار بوده است. سوال و هدف محوری این پژوهش تاثیر قدرت نرم ایران در قدرت و نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی بخصوص در حزب الله لبنان است. در این راستا موضوعاتی از قبیل مولفه‌های قدرت نرم ایران در سطح منطقه‌ای در ابعاد دینی، ملی، رهبری و رسانه‌ای، تهدیدات نرم علیه ایران و همچنین نتایج و اهداف مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

مهمترین متونی که درباره قدرت نرم نگارش یافته اند عبارتند از:

قدرت نرم، نظریه‌ای است که مبدع آن جوزف نای، استاد دانشگاه هاروارد می باشد. نای با نگارش سلسله مقالات و کتاب‌ها به دنبال ارائه نظریه‌ای جدید از قدرت بوده است. وی با بررسی فراز و فرود میزان قدرت ایالات متحده در جهان، به خصوص پس از حمله آمریکا به عراق، با ارائه مفهوم قدرت نرم، با گذر از سخت افزار گرای به نرم افزار گرای؛ گشاینده دریچه نوین مطالعات در عرصه قدرت می باشد (نای، ۱۳۸۷).

از دیگر آثار مهم در باب قدرت نرم می توان کتاب قدرت نرم، فرهنگ و امنیت، را نام برد. موضوع اصلی این کتاب قدرت نرم و امنیت است. که فرهنگ بسیج و قدرت نرم، قدرت بسیج و امنیت نرم، دانش بسیج و تولید قدرت نرم و الگوی بسیج در فضای فرهنگی مهمترین موضوعات آن است. مباحث کتاب جهت تبیین قدرت نرم و امنیت نرم بر موضوع فرهنگ تمرکز یافته و موضوع سرمایه اجتماعی در آن بحث نشده است. از آثار مهم وی می توان به کتاب قدرت نرم ابزارهای موفقیت در سیاست بین الملل اشاره کرد.

از دیگر آثار مهم، کتاب قدرت نرم و سرمایه اجتماعی می باشد. این کتاب در برگیرنده

مجموعه مقالات همایش ملی بسیج و قدرت نرم است که در زمستان ۱۳۸۶ تدوین شده است که به مفهوم قدرت نرم و سرمایه اجتماعی نیز پرداخته شده است.

با توجه به اهداف انقلاب جمهوری اسلامی ایران در سطح بین المللی بویژه مبارزه با استکبار جهانی، حمایت از مظلومین و مستضعفان عالم و تلاش مداوم دشمنان داخلی و بین المللی برای مقابله با گسترش قدرت ایران در منطقه، جمهوری اسلامی ایران با استفاده از جذابیت های آرمانهای انقلاب اسلامی می تواند با استفاده از پتانسیل های سایر ملل مسلمان و آزادی خواه قدرت خود را در منطقه افزایش دهد.

چارچوب مفهومی

مفهوم سازی اولیه قدرت نرم توسط جوزف نای صورت گرفته است. (نای، ۱۳۸۹: ۴۷) آنچه جوزف نای به عنوان منابع قدرت نرم آورده، در بردارنده سه مؤلفه فرهنگ، ارزش های سیاسی و مطلوب های سیاست خارجی است. (نای، ۱۳۸۹: ۵۱) امروز از فرهنگ به عنوان مهم ترین منبع قدرت نرم نام برده می شود. (پور احمدی، ۱۳۸۹: ۳۰۶) قدرت نرم که بعضاً آن را قدرت هنجاری و قدرت انگاره ای و عقیدتی می نامند، تکیه بر فرهنگ و ارزش ها دارد. (اصغریان کاری، ۱۳۸۹: ۳۲) از فرهنگ که در قاموس و عرف بین الملل به عنوان قدرت نرم یاد می گردد. (پور احمدی، ۱۳۸۹: ۲۹۶) که جهت دهنده به ذهن و رفتار در همه حوزه های اجتماعی است. فرهنگ یک کشور بیانگر شخصیت و هویت یک کشور است. (افتخاری، و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۷۴) و می توان گفت نظم اجتماعی از طریق فرهنگ ساخته و یا مورد مخالفت قرار می گیرد و یا باز تولید می گردد. (تاجیک، ۱۳۸۴: ۴۴)

نای معتقد است، ارزش های مثبت سیاسی یک کشور در بعد داخلی و خارجی، می تواند قدرت نرم یک کشور را افزایش دهد. در بعد داخلی؛ پاسخگو بودن به مردم، رعایت اخلاق و اجرای عدالت، همگی از ارزش های مثبت یک حکومت است. در عرصه خارجی، هر حکومتی که میزان تعاملات و مناسباتش در عرصه بین الملل و منطقه ای با نهاد های دیگر سنجیده تر و همگرا تر باشد و اختلافات را به حداقل رسانیده و به معاهدات بین المللی پایبند باشد، قدرت نرم آن کشور افزایش می یابد؛ زیرا موجب جلب اعتماد دیگران و باعث نشان دادن برآیند مثبت از چهره ی یک کشور می گردد و این امر، امروزه در بعد سیاست خارجی منجر به جذب دیگران و افزایش قدرت و

نفوذ یک کشور می‌گردد. (بیکی، ۱۳۸۹: ۵۹-۶۱). دیپلماسی عمومی، یکی از ابزارهای کلیدی قدرت نرم است. (میلسن و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۱) که جذب قلوب و افکار، در این نوع دیپلماسی مشهود است. (گلشن پژوه، ۱۳۸۷: ۲۲) زیرا در این نوع سعی شده دیپلماسی با اخلاق مورد توجه قرار گرفته به نحوی که امروزه اکثر کشورها سعی دارند در دیپلماسی و روابط بین کشورها، خود را اخلاقی نشان دهند. از آنجا که فرهنگ و ابزارهای فرهنگی در بسیاری از موارد، ضمیر ناخودآگاه مخاطبان را هدف قرار می‌دهد و با لطافت و ظرافت غیر مشهودی بر لایه‌های عمیق اذهان تأثیر می‌گذارد، بنابراین در مقایسه با سایر ابزارهای شایع در سیاست خارجی، دیپلماسی فرهنگی یا عمومی، با سهولت بیشتری بر لایه‌های زیرین جوامع رسوخ و اثر می‌گذارد. در این دیپلماسی، فرصت بهتری برای حضور جدی بازیگران غیر دولتی مهیا می‌گردد و با توجه به اینکه در قدرت نرم، توأم ساختن دیپلماسی با اخلاق، یک امتیاز است که کشورها سعی می‌کنند خود را متصف به آن سازند، این نوع دیپلماسی، اخلاقی‌تر و انعطاف‌پذیرتر است. (خانی، ۱۳۸۲: ۱۳۷-۱۳۹)

قدرت منطقه‌ای

با افول نظام دو قطبی در جهان، مفهومی تحت عنوان قدرت منطقه‌ای، مطرح گردید. در نظام سلسله مراتب بین‌المللی، قدرت‌های منطقه‌ای بازیگرانی می‌باشند که جایگاه و کارکردشان بسیار حائز اهمیت است. واژه‌ی قدرت منطقه‌ای که بنیان نظری خاصی در ادبیات روابط بین‌الملل دارد پویایی نوع خاصی از تقسیم‌بندی دولت‌ها است که در آن قدرت ملی به مثابه معیار اصلی مورد توجه قرار می‌گیرد. این واژه در تجزیه و تحلیل‌های مربوط به امور بین‌المللی مورد استفاده قرار می‌گیرد. سیستم بین‌المللی به لحاظ ماهوی متشکل از لایه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و امنیتی است و در عین حال به لحاظ جغرافیایی قابل تقسیم‌بندی و سیستم‌های منطقه‌ای می‌باشد.

برخی از صاحب‌نظران کشورهای جهان را در سلسله مراتبی هر می‌شکل از قدرت طبقه‌بندی می‌کنند که در واقع این هرم قدرت مسلط در میانه آن قدرت‌های بزرگ و متوسط و در قاعده آن قدرت‌های کوچک منطقه قرار می‌گیرند (عسگری، ۱۳۸۶: ۱۵). موضوع سلسله مراتب قدرت‌های منطقه‌ای را بوزان و ویور دستمایه کار پژوهش ارزشمند قرار داده‌اند. آنها در این بحث که

در قالب نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای مطرح کردند، بین قدرت‌های بزرگ و ابرقدرتها که در سطح جهانی عمل می‌کنند و در این عرصه اثر گذاری دارند و قدرت‌های منطقه‌ای که نفوذ آنها ممکن است در منطقه خود زیاد باشد؛ اما در سطح جهانی مورد توجه قرار نمی‌گیرند، تمایز قائل می‌شود از نظر آنها، قدرت‌های منطقه‌ای ممکن است دارای منابع مادی و سخت‌افزاری قدرت چندان مناسب نباشند، اما به لحاظ اصالت تاریخی، سنت‌های ریشه دار و موقعیت جغرافیایی این قدرت‌ها وضعیت مساعدی داشته باشند (به نقل از نصری، ۱۳۸۴: ۶۰۵ - ۵۸۶).

حزب الله لبنان

«حزب الله» یک سازمان سیاسی - نظامی و یک نیروی چریکی است که در اوایل دهه ۸۰ میلادی با ایدئولوژی اسلام سیاسی امام خمینی (ره) در لبنان ظهور کرد و با شعار «مبارزه با اسرائیل» توانست بین گروه‌های مختلف اعتقادی در لبنان وحدت ایجاد کند و با هدف مقاومت برای شکست اسرائیل و بازپس‌گیری زمین‌های اشغالی، جوانان را به خود جذب کند. به‌ویژه، با پیروزی در سال ۲۰۰۰ بر رژیم صهیونیستی و موفقیت در عقب‌راندن نیروهای این رژیم از جنوب لبنان و نیز مقاومت ۳۳ روزه در برابر این رژیم در سال ۲۰۰۶، روز به روز بر محبوبیت آن در بین مردم لبنان و حتی کشورهای عربی افزوده شد. (نصرتی، ۱۳۹۱: ۶۷ و ۶۸) این جنبش با یاری و همکاری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نیروهای مبارز خود را، که به انقلاب اسلامی علاقه‌مند بودند، آموزش داد و آن‌ها را در راه بسیج و سازمان‌دهی نظامی علیه رژیم صهیونیستی به کار گرفت و تاکنون چندین عملیات ضداسرائیلی در جنوب لبنان انجام داده است. (محمّدی، ۱۳۸۵: ۲۴۱)

«حزب الله» بر نقش روحانیان دینی در طرح سیاسی خود تأکید دارد. همچنین انقلاب اسلامی ایران را به عنوان الگویی برای خود برگزیده و مبانی و ارزش‌های آن و نظریه «ولایت فقیه» را که امام خمینی (ره) آن را اجرا کرده بود، پذیرفته است. «ولایت فقیه» در اندیشه و مرام «حزب الله»، یعنی همان جانشین خدا و حاکمیت «خليفة الله» بر روی زمین. دستور و امر ولی فقیه برای «حزب‌الله» به مثابه حکم الهی است. (بزی، ۱۳۸۷: ۱۵)

«حزب الله» یک حزب صرفاً مّلی و معمولی در یکی از کشورهای کوچک خاورمیانه نیست. این حزب گرچه خود را در چارچوب‌های مّلی تعریف کرده و در چنین فرایندی به شدت

فعل شده، اما در عین حال، از ویژگی‌های فراملی بسیاری برخوردار بوده و کارکرد منطقه‌ای قابل توجهی پیدا کرده است. این ویژگی در اصل، یکی از مهم‌ترین شاخص‌های انقلاب اسلامی ایران است که «حزب‌الله» با بهره‌گیری از همگونی مذهب خود با انقلاب، شالوده فکری و رفتار خود را بر اساس آن پی‌ریزی و بیشتر ویژگی‌های انقلاب اسلامی را در خود بومی‌سازی کرده و الگوی عربی قابل توجهی برای منطقه ارائه داده است. سی و سه روز مقاومت «حزب‌الله» در مقابل ششمین ارتش بزرگ جهان و کمک‌های بزرگ‌ترین زرادخانه‌های تسلیحاتی و تبلیغاتی آمریکا و چند کشور اروپایی همچون انگلیس و فرانسه و تأیید فریب‌کارانه چند کشور عربی، توانست موازنه قدرت را در منطقه، به نفع اسلام و «حزب‌الله» و دولت لبنان در خاورمیانه رقم بزند. (خلیلی، ۱۳۸۷: ۳)

مولفه‌های تاثیرگذار بر افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در منطقه

رهبری و ولایت فقیه

ولایت فقیه در اعتقاد جامعه شیعی در مسیر طولی حاکمیت خداوند بر بندگان، در عصر غیبت امام معصوم (ع) در رأس حکومت اسلامی قرار می‌گیرد پیروی و اطاعت از رهبری با توجه به اعتقادات و باور قلبی سبب بالارفتن مشروعیت دینی و سیاسی انقلاب و خنثی‌سازی جنگ روانی و تبلیغاتی دشمنان می‌شود؛ چرا که فی‌نفسه بزرگترین و موثرترین قدرت نرم انقلاب و پرچمدار هدایت در وحدت و یکپارچگی جامعه به منظور جلوگیری از نفوذ دشمن و مدیریت بحران‌های داخلی و خارجی موثر و غیر قابل انکار به شمار می‌آید. در حقیقت تقویت جایگاه و تبعیت از ولایت فقیه به عنوان یکی از مولفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آید. (بیگدلو و مرادیان، ۱۳۹۱: ۱۰۳). ولایت فقیه از یک طرف رهبری و مدیریت صحیح اسلامی با عفو و عطوفت همراه است و نظام حکومتی اسلام بر مبنای محبت و اتصال به مردم بنا می‌شود و این نقطه مرکزی وحدت می‌باشد و از طرفی دیگر شناسایی کیدهای دشمنان و عوامل تفرقه‌زا و پیشگیری از آن در جهت جلوگیری از تضعیف امنیت ملی و انسجام اسلامی به مثابه «اشدء علی الکفار» مطرح است. به همین جهت لبه تیغ دشمنان از یک طرف وحدت اسلامی و امنیت را هدف قرار داده و از طرف دیگر ولایت فقیه را، و این به نوبه خود اهمیت نقش ولایت فقیه در ایجاد وحدت اسلامی و امنیت را مشخص تر می‌کند.

استکبارستیزی

یکی از ارزش‌های مورد نظر شیعه، عدم پذیرش استکبار و سلطه کافران است؛ چنانکه در قرآن کریم آمده است: «لنيجعل الله للكافرين على المومنين سيلا» (سوره نسا، آیه ۱۴۱) (رجبی، ۱۳۷۴: ۵۸)؛ بنابراین شیعیان و مومنان نباید سلطه و استکبار کافران را بر خود بپذیرند بلکه باید در مقابل استکبار و سلطه کافران بایستند و مقاومت کنند. چنانچه مقام معظم رهبری می‌فرماید: در واقع، قیام امام حسین (ع) برای احیای روحیه مسئولیت‌پذیری و ظلم‌ستیزی بود (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۱۵۷). این عنصر یکی از عناصر مهم و نقش‌آفرین در فرهنگ سیاسی شیعه است که زمان‌های مختلف عامل بیگانه‌ستیزی و مقابله با استکبار توسط شیعیان بوده است این بیگانه‌ستیزی در مواردی موجب مخالفت مردم با هیئت حاکم بوده است (ابوطالبی، ۱۳۸۷).

روحیه ایثار و شهادت طلبی

روحیه ایثار و شهادت طلبی، یکی از ارزش‌های سیاسی و اعتقادی شیعیان است. شیعه اعتقاد خاصی به شهادت دارد. با مروری بر تاریخ زندگی ائمه می‌بینیم که تمامی آنها به دست دشمنان مقتول یا مسموم شده‌اند. این ارزش بزرگ با نام حسین بن علی در فرهنگ سیاسی تشیع آمیخته شده است و شیعیان لقب سید شهادت را برای او از هر کس دیگری مناسب‌تر می‌دانند؛ زیرا شهید با ایثار قطرات خورش در پیکر جامعه، خون گرم و زنده‌ای را به جریان می‌اندازد و راه خدا را باز می‌کند و سدها و موانع را برمی‌دارد (روحانی، ۱۳۸۲: ۷۸). شهادت نقش بسیار حساسی در تاریخ اسلام و امت اسلامی دارا است. این امر از ابتدای ظهور اسلام تاکنون وجود داشته است شاید به همین جهت بوده است که بسیاری از اسلام‌شناسان غیرمسلمان، به علت تشویق اسلام به جهاد با جان جهت برقراری و دفاع از حق و حقیقت و به علت علاقه فراوان مسلمانان برای استقرار عدل و ریشه‌کنی ظلم و به علت فداکاری همه‌جانبه رهبران اسلام و امت اسلامی در صلح و آیین اسلام را دین شمشیر معرفی می‌کنند (سعیدی رضوانی، ۱۳۶۸: ۲۸).

داعش ایجاد شده بود تا قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در منطقه را به ویژه در کشورهای دوست ایران مثل سوریه و عراق مورد هدف قرار دهد و از این طریق دولت‌های دست‌نشانده غربی در آنجا تحت عنوان دولت اسلامی به روی کار بیاید، این موضوع ضامن شرایط را برای حمله به ایران مهیا می‌کرد. جمهوری اسلامی ایران با تشکیل شبه‌نظامی‌های متعدد در

کشورهای همسایه همچون حشد شعبی عراق، فاطمیون افغانستان، حیدریون پاکستان و ... فرهنگ شهادت و ایثار را بیش از هر زمان دیگری از خود نشان داد و اجازه نداد خواب های آشفته دشمنان تعبیر گردد.

عدالت طلبی

یکی دیگر از مهمترین ارزش های سیاسی که نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک دولت اسلامی واحد، حافظ و مروج آن است، عدالت است. عدالت در برگیرنده و متضمن سایه ارزش ها و فضایل انسانی و اجتماعی نیز هست، و دولتی که باید در داخل به عنوان الگو جهت الهام بخشی به دیگران ایجاد گردد «حکومت عدل اسلامی» است. اهمیت این ارزش و اصل به اندازه ای است که رهبر انقلاب اسلامی آن را شاخص سیاست خارجی جمهوری اسلامی می داند.

ارائه و معرفی الگوی عدالت اسلامی به صورت مسالمت آمیز از طریق گسترش ارزش ها و آرمان های انقلاب اسلامی به سه طریق الهام بخشی انقلاب اسلامی را تامین می کنند:

الف) ایجاد و استقرار یک دولت عادل و جامعه الگوی اسلامی که زمینه ساز تشکیل جامعه جهانی اسلامی تحت حاکمیت دولت مهدوی خواهد بود؛

ب) گسترش ارزش های دولت اسلامی در زمینه عدالت خواهی و سلطه ستیزی و صدور

الگوی مقاومت جمهوری اسلامی ایران به اردوگاه سلطه ستیزان (لبنان و فلسطین)؛
ج) فراگیر شدن فرهنگ و گفتمان مقاومت در سطح منطقه ای و بین المللی به معنای گسترش نفوذ و دامنه منافع و قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران به فراسوی محیط پیرامونی آن می باشد (فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۸: ۱۳۴).

هنجار سازی در سطح جهان اسلام

تلاش در راستای اشاعه ارزش های اسلامی و نیز دفاع از مسلمانان که به مثابه رویکردی آگاهانه در سیاست خارجی و دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران پیگیری می شود و پیامدهای آن مانند گسترش بیداری اسلامی به نوبه خود باعث بالا رفتن ضریب امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و نیز آسان تر شدن دستیابی به اهداف ملی آن می شود. برای تبیین بهتر این امر می توان از مفهوم عمق راهبردی استفاده کرد. عمق راهبردی مفهومی است که اساساً به حوزه مطالعات

امنیتی و استراتژیک مربوطه است و به توان بازدارندگی یک کشور با توجه به گسترش نفوذ آن اشاره دارد. این مفهوم به ترکیبی از عوامل عینی و ژئوپلیتیک و ذهنی و ایدئولوژیک اشاره دارد که باعث می شود رقیبان و دشمنان کشور، عملاً از این آسیب رسانی جدی به امنیت و منافع آن صرف نظر کنند. جمهوری اسلامی ایران نیز با برخورداری از مزیت های فراوان سرزمینی و جغرافیایی در ترکیب با عوامل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی عمق راهبردی آن را تضمین می کند، اشاعه ارزش ها و گسترش نفوذ ایدئولوژیک خود در منطقه و جهان را در سیاست خارجی خود با جدیت پیگیری می کند. اما داشتن چنین رویکرد ارزشی و هنجاری نه تنها هیچ منافاتی با تامین امنیت و منافع ملی کشور ندارد، بلکه گسترش نفوذ ایدئولوژیک، تضمین کننده امنیت و منافع ملی ایران در بلندمدت خواهد بود. از این رو مجموعه هزینه هایی که جمهوری اسلامی ایران بر اساس اهداف و اولویت های سیاست های خارجی خود در افق ۱۴۰۴ و در حوزه جهان اسلام می پردازد، ضمن انطباق با آرمان های آن، تقویت کننده عقبه استراتژیک جمهوری اسلامی ایران به شمار می رود. در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام، حمایت از مقاومت فلسطینیان در برابر اسرائیل است که ضمن انطباق با مصالح امت اسلامی از طریق گسترش عمق راهبردی جمهوری اسلامی ایران تامین کننده قدرت نرم و امنیت و منافع ملی آن است. درباره نفوذ دولت یک کشور در مناطق ژئوپلیتیک، یک شاخص مهم، ارزیابی محبوبیت - به مسائل شاخصه عمده در اندازه گیری نفوذ قدرت نرم - در کشورهای دیگر است. استقبال مردم از مقامات بلندپایه ایران در کشورهای اسلامی می تواند تا اندازه ای روشنگر جذابیت ارزش ها و هنجارها و نیز محبوبیت جمهوری اسلامی ایران در میان مردم مسلمان باشد (درخشش و غفاری، ۱۳۹۰: ۳۹ - ۴۰)

اهداف جمهوری اسلامی ایران در منطقه

۱. صدور انقلاب اسلامی

گسترش انقلاب اسلامی یکی از مهمترین اهدافی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در موارد متعدد به آن توجه شده است. چنان که مفهوم صدور انقلاب به عنوان یکی از مؤلفه های اصلی سیاست استقلال طلبی و مقابله با رخنه پذیری در مقابل نفوذ قدرت های خارجی معنی می یابد؛ یعنی صدور انقلاب خود نوعی جهت گیری راهبردی است که تشکیل

حکومت های مستقل مبتنی بر ارزش ها و تعالیم دینی در کشور های اسلامی را هدف می گیرد، بنابراین اولویت و ترجیح قانون اساسی در تأکید بر این امر، همان مبانی و اصول می باشد. در همین رابطه در مقدمه ی قانون اساسی آمده است: «قانون اساسی با توجه به محتوای انقلاب اسلامی ایران که حرکتی برای پیروزی مستضعفین بر مستکبرین بود، زمینه ی تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می کند، بویژه در گسترش روابط بین المللی با دیگر جنبش های اسلامی و مردمی می کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند. (ان هذ امتکم امه واحده و انا ربکم فاعبدون) و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد.»

قانون اساسی حتی در بیان وظایف و فلسفه وجودی نیرو های نظامی کاملاً از دید مکتبی و فراملی نگاه می کند. از همین رو در مقدمه ی قانون اساسی آمده است: «نه تنها سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی حفظ و حراست از مرزها بلکه بار رسالت مکتبی یعنی جهاد در راه خدا و مبارزه در راه گسترش حاکمیت قانون خدا در جهان را نیز عهده دار خواهند بود و اعدوا ما استطعتم من قوه و من روابط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوکم و آخرین... منهم.» هم چنین در بند ۱۶ اصل ۳، دولت جمهوری اسلامی ایران را موظف به تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیار های اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه ی مسلمانان و حمایت بی دریغ از مستضعفان جهان می کند.

ضدیت با نظام سلطه

ساخت نظام سیاسی حاکم و استمرار حیات و استواری مبانی راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران را باید در عناصر معنوی، ارزشی، هویتی - فرهنگی که برخلاف جریان حاکم جهانی عامل پیروزی انقلاب بوده اند جستجو کرد، به ویژه در دنیایی که غالباً زیر سیطره نیرو های خارجی ویرانگری بوده است که سعی داشته اند سایر نیروها را به انقیاد خود در آورند، بهره گیری نظام جمهوری اسلامی ایران از فرهنگ و هویت سنتی ایرانی - اسلامی یکی از ابزار های مهم لازم برای استمرار بقا بوده است، مخصوصاً آنکه هویت فرهنگی و نشانه شناسی گفتمان انقلاب اسلامی ایران را میتوان در ارتباط با تحلیل انتقادی از جهان غرب مورد مطالعه قرار داد. راهبرد ضدیت با نظام سلطه را باید انعکاس ارزش استقلال و مقاومت در رفتار سیاست

خارجی جمهوری اسلامی ایران دانست. یعنی از آنجایی که در گفتمان انقلاب اسلامی اتخاذ موضع مستقل و ایستادگی در برابر ابرقدرت های جهانی به مثابه یک ارزش تلقی می شود، بالطبع جمهوری اسلامی ایران نیز مسیر حرکت خود را در محیط بین المللی بر همین اساس ترسیم کرده است که خطوط کلی آن را می توان در قانون اساسی سراغ گرفت. برای مثال اصل دوم «نهی هرگونه ستم گری و ستم کشی و سلطه گری و سلطه پذیری» و اصل سوم «ترد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب» را مورد تأکید قرار داده است. ضدیت با نظام سلطه که طی چهار دهه ی گذشته به عنوان یک راهبرد مستمر و تغییر ناپذیر همواره سرلوحه ی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده و تجلی آن در رفتارها و کنش هایی نظیر تداوم خصومت با ایالات متحده ی آمریکا و رژیم صهیونیستی یا مقاومت سرسختانه در مقابل فشار کشورهای غربی در جریان کشمکش هسته ای قابل مشاهده است، برای بسیاری از افراد و گروه های سلطه ستیز و منتقد ساختار ظالمانه و ناعادلانه ی سیاست بین الملل در نقاط مختلف جهان جذابیت دارد و موجب دل بستگی آنان به دولت و ملت ایران می شود.

پ. حمایت از نهضت های آزادی بخش

پیامد نهادینه شدن ارزش حمایت از مظلومان و مستضعفان در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران این است که پشتیبانی معنوی و حتی مادی از نهضت های آزادی بخش به عنوان یکی از تعهدات برون مرزی کشور تلقی می شود به طوری که در اصل صد و پنجاه و چهارم قانون اساسی آمده است: «جمهوری اسلامی ایران... در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت های دیگر، از مبارزه ی حق طلبانه ی مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می کند.» همچنین امام خمینی اظهار می داشت: «ما اعلام می کنیم که جمهوری اسلامی ایران برای همیشه حامی و پناهگاه مسلمانان آزاده ی جهان است و کشور ایران به عنوان یک دژ آسیب ناپذیر، نیاز سربازان اسلام را تأمین و آنان را به مبانی عقیدتی و تربیتی اسلام و همچنین اصول و روش های مبارزه علیه نظام های کفر و شرک آشنا می سازد» (خمینی، ۱۳۷۹: ج ۲۰، ۲۲۷). رویکرد حمایتی جمهوری اسلامی به گروه های مبارز و نهضت های آزادی بخش خصوصاً در کشورهایی مانند لبنان، فلسطین، سوریه، عراق، یمن و بحرین سبب ارتقاء وجهه و جایگاه ایران در میان این گروه ها و حامیان مردمی شان شده است تا جایی که آنها ایران را به چشم یک الگو و

هدایتگر می‌نگرند و در بسیاری از موارد تابع رهنمودهای رهبران و مقامات ایرانی هستند.

ت. حمایت از مظلومان و مستضعفان جهان

آرمان جمهوری اسلامی نفی کامل ساختار مسلط روابط بین الملل و جایگزین ساختن ساختاری جدید با محوریت جهان اسلام بوده است، آن هم اسلام انقلابی که در جهت آزادسازی دنیای اسلام از سیطره غرب، گام بر میدارد؛ همانطور که امام خمینی خاطر نشان میکند: «انقلاب ما منحصر به ایران نیست، انقلاب ایران، آغاز انقلاب بزرگ جهان اسلام است» (فولر، ۱۳۷۷: ۳۱۰) حمایت از مظلومان و مستضعفان جهان یکی دیگر از ارزش‌های ماهوی انقلاب اسلامی است که موجب ارتقاء جایگاه آن در میان طبقات مظلوم و مستضعف کشورها و جلب توجه آنها به ایران می‌شود. انقلاب اسلامی از بدو شکل‌گیری‌اش با صفت حامی مستضعفان مشهور شد و پشتیبانی معنوی از تمامی ملت‌های مظلوم را به عنوان یک ارزش اساسی برای خود تعریف کرد. البته این ارزش هم حاصل سلايق شخصی رهبران انقلاب نیست بلکه ریشه در آموزه‌های شریعت اسلام دارد. پس به اقتضای فرامین اسلام بود که رهبران انقلاب اسلامی از ابتدا پشتیبانی از مستضعفین را در صدر شعارها و ارزش‌های انقلاب قرار دادند. چنان‌که امام خمینی می‌گفت: «خدای تبارک و تعالی اراده فرموده است که زمین را به این مستضعفین بدهد و این مستکبرین را از صحنه‌ی تاریخ خارج بکند و ما ابتداست که قیام کردیم برای این معنا و تمام ملت‌های مظلوم را پشتیبانی می‌کنیم و تمام ملت‌های مظلوم باید ظالم‌ها را از صفحه‌ی روزگار بیرون کنند و از تاریخ بیرون برانند» (خمینی، ۱۳۷۹: ج ۱۰، ۲۲۹). با این حساب از آن جایی که حمایت انقلاب اسلامی از مظلومان و مستضعفان جهان سبب جلب علاقه و اشتیاق آن‌ها به انقلاب و موطن آن یعنی ایران می‌شود، می‌توان این ارزش را به مثابه منبعی برای تأثیرگذاری نرم‌افزاری بر همان اقشار مظلوم و مستضعف قلمداد کرد.

منابع قدرت حزب الله

هویت اسلامی

بدون شك اسلام ظرفیت بی‌پایانی در ایجاد امید و انگیزه و تقویت اراده برای استقامت و پایداری در راه رسیدن به هدف دارد. انقلاب اسلامی در ایران، این ظرفیت فراموش شده را مجدداً در

عرصه ی جهانی شکوفا کرد و الهام بخش جوانان آزاده در سراسر جهان اسلام گردید. انقلاب اسلامی رستاخیز یا بیداری اسلامی را تنها راه نجات مسلمان از فلاکت و انقیاد معرفی نمود و ایدئولوژی های لیبرالیستی، مارکسیستی و ناسیونالیستی را که توسط بسیاری از نخبگان مسلمان به عنوان تنها راه اعاده ی عزت مسلمان پذیرفته شده بودند، به چالش کشید. انقلاب اسلامی به عنوان يك گفتمان فراگیر بیش از همه در جوامع شیعی مورد استقبال قرار گرفت و موجب شد تا شیعیان از حاشیه نشینی خارج شده و در متن تحولات و حوادث قرار گیرند و جایگاه سیاسی و اجتماعی آنها ارتقا پیدا کند. (طاهری، ۱۳۸۸: ۱۱۰) پیروزی حزب الله در جنگ ۳۳ روزه به حدی عجیب و شگفت آور بود که کارشناسان سیاسی و دانشمندان علوم راهبردی را به بررسی علل و عوامل پیروزی حزب الله در این جنگ علاقمند کرد. برخی علل توفیقات حزب الله را حرکت در مسیر انقلاب اسلامی ایران و هویت یابی سیاسی جدید مبتنی بر اسلامی می دانند. نوام چامسکی معتقد است «اکنون، هویت سیاسی جدید بر پایه ی مفاهیم اسلامی در منطقه در حال شك گیری است. این روند می تواند به قدرت یابی این گروه ها منجر شود که مورد حمایت ایران هستند. بدین ترتیب، باید چاره ای اندیشید تا پیش از اینکه تمام راه های سیاسی شیعیان و سنی ها به تهران ختم شود، نقش محوری ایران محدود گردد.» (تخشید و نوریان، ۱۳۸۷)

حزب الله لبنان را باید موجی از امواج انقلاب اسلامی ایران دانست که با هویت یابی اسلامی توانست تأثیرات عمیقی در محیط داخلی و پیرامونی لبنان بگذارد. عناصر اسلامی و شیعی مانند عاشورا و مهدویت و ولایت فقیه که در کانون اندیشه های سیاسی حزب الله قرار دارد، حزب الله را به قدرتی معنوی تبدیل کرده است؛ قدرتی که توانسته است ابزارها و مؤلفه های قدرت سخت (مادی) را به نحو مطلوبی در جهت تحقق اهداف متعالی اش به کار گیرد.

انسجام درونی حزب الله و قدرت رهبری در آن

حزب الله از نظر ساختار تشکیلاتی بسیار موفق تر از سایر احزاب قدیمی و سازمان یافته مانند احزاب کمونیستی و ناسیونالیستی عمل کرده است (بلقزیز، ۱۳۸۹: ۵۴) حزب الله در طول سه دهه ای که از تأسیس آن گذشته، توانسته است ضمن توسعه ی ساختار خود، انسجام درونی خود را نیز افزایش دهد. نقش رهبری حزب الله در تبدیل آن به نهادی منسجم، پویا و قدرتمند غیر قابل انکار است. سیدحسن نصرالله با لحن صریح و صادقانه ی خود توانسته است در عرصه

ی رسانه ای ارتباط بسیار خوبی با مخاطبان برقرار کند و صحبت های صادقانه ی او با مردم محبوبیت او را افزایش داده است.

شیوه ی عمل سیدحسن نصرالله از احاطه ی او بر سیاست و علوم نظامی و راهبردی حکایت دارد. فرهنگ سیاسی شیعه و اصول گفتمان انقلاب اسلامی و شخصیت و سیره ی عملی امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری در شکل گیری رهبری انقلاب سیدحسن نصرالله مؤثر بوده اند. (بیدقی، ۱۳۹۲: ۱۶۱ تا ۲۲۱). پس از پیروزی های بزرگ حزب الله بر دشمن صهیونیستی به ویژه پس از جنگ ۳۳ روزه، محبوبیت سیدحسن نصرالله در کشورهای اسلامی و جهان عرب افزایش چشم گیری پیدا کرد و دوست و دشمن او را به دلیل توفیق در شکست یکی از مجهزترین ارتش های دنیا ستایش می کردند.

پایگاه اجتماعی

سیاسی شدن شیعیان لبنان و حرکت آنها از متن به حاشیه را باید مرهون اندیشه ی مقاومت ضد صهیونیستی دانست. ادامه ی جنگ داخلی، اشغال لبنان توسط رژیم صهیونیستی، فقدان حاکمیت مرکزی و بی ثباتی، منجر به تکمیل روند سیاسی شدن شیعیان لبنان و خروج شیعیان از حالت رکود، یأس و حاشیه نشینی و تبدیل آنها به یک جامعه ی انقلابی شد (پایگاه جامعه عاشورا)، ۱۳۹۱ حزب الله توانست موقعیت شیعیان لبنان را از شهروندان درجه ی دو به شهروندانی با حقوق برابر با سایر لبنانی ها تبدیل کند. از این رو، شیعیان لبنان، جایگاه فعلی خود را مرهون اقدامات حزب الله و شخصیت هایی مانند امام موسی صدر می دانند. حزب الله لبنان دارای پایگاه اجتماعی گسترده ای در داخل لبنان است. حزب الله به طور خاص، شیعیان لبنان را رهبری میکند و نمایندگی سیاسی آنها را بر عهده دارد. حزب الله تنها نیروی قدرتمند مدافع شیعیان در لبنان است. حزب الله علاوه بر شیعیان، در میان اهل سنت، مسیحیان و دروزی ها نیز دارای پایگاه اجتماعی است و بسیاری از کسانی که از گسترش تکفیر به لبنان و تجاوز رژیم صهیونیستی نگرانند، حزب الله را حامی قدرتمندی میدانند که در حال دفاع از لبنان می باشد. پایگاه اجتماعی جنبش و اعضای و هواداران احزاب و جریان های هم پیمان با جنبش را در بر می گیرد (مزاحم، ۲۰۱۴). خدمات اجتماعی گسترده ی ارائه شده توسط حزب الله در توسعه پایگاه اجتماعی آن نقش به سزایی داشته است. پایگاه اجتماعی حزب الله فقط

به لبنان محدود نمی شود و بسیاری از طرفداران اندیشه ی مقاومت ضد صهیونیستی در سراسر جهان از اقدامات حزب الله حمایت می کنند.

تأثیر حزب الله بر قدرت منطقه ای ایران

الگوی نفوذ جمهوری اسلامی ایران در لبنان را می توان یکی از موارد کارآمد و موفق بروز قدرت هوشمند ایران در یکی از کشورهای استراتژیک منطقه خاورمیانه تلقی نمود. درحقیقت، عملیات میدانی و موفقیت های نظامی حزب الله، به همراه نفوذ پارلمانی و اقبال عمومی مردم لبنان به این حزب، زمینه ساز بسط نفوذ جمهوری اسلامی ایران در این کشور و به تبع تقویت و استحکام محور مقاومت در منطقه شده است. به طور کلی، می توان گفت که حزب الله لبنان با تأثیرپذیری از الگوهای ایرانی، به نتایجی دست یافتند که مهمترین آنها عبارتند از:

۱. گسترش فرهنگ مقاومت، جهاد و عملیات شهادت طلبانه و اثبات کارایی آن؛

۲. رد الگوی مصلحت، دیپلماسی و مذاکرات بیهوده با رژیم صهیونیستی؛

۳. سست کردن اسطوره شکست ناپذیری رژیم صهیونیستی در میان اعراب و مسلمانان؛

۴. تبدیل الگوی مقاومت حزب الله به عامل بیداری اعراب در سراسر امت اسلامی؛

۵. ایجاد مشروعیت مردمی و همبستگی ملی بسیاری از طوایف لبنانی درخصوص

مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی (طاهری، ۱۳۸۹: ۹۲)

شیخ نعیم قاسم نایب رئیس حزب الله لبنان در خصوص قدرت منطقه ای حزب الله لبنان می گوید: اگر بخواهیم نگاه واقعی داشته باشیم، می بینیم که حزب الله به یک قدرت منطقه ای تبدیل شده است. نقش حزب الله در مقابله با دشمن صهیونیستی از یک طرف و مبارزه با تکفیری ها و همکاری با محور مقاومت از طرف دیگر نشان می دهد که حزب الله یک قدرت منطقه ای است و روند تحولات منطقه گواه بر صدق این ادعا است.

حزب الله لبنان به دلیل تأثیرگذاری روی طرح ها و پرونده های مشخص در منطقه به یک قدرت منطقه ای تبدیل شده است. مثلاً هنگامی که حزب الله متوجه سناریوی خاورمیانه جدید از طریق حمله دشمن اسرائیلی به لبنان در سال ۲۰۰۶ شد و خانم کاندالیزا رایس (وزیر خارجه وقت آمریکا) به صراحت این طرح را اعلام کرد، وارد کارزار شد و این طرح ناکام ماند زیرا اسرائیل در جنگ ۲۰۰۶ شکست خورد و پیروزی حزب الله طرح و سناریوی منطقه ای به نام

«خاورمیانه جدید» را خنثی کرد و تنها کسی می‌تواند جلوی این طرح قد علم کند که یک قدرت منطقه‌ای باشد و پس از آن نیز قدرت حزب الله به عنوان یک قدرت منطقه‌ای تثبیت شد و این قدرت با توجه به تحولات چند سال اخیر سوریه بار دیگر متبلور شد، زیرا حضور گسترده مادی و نظامی ما در سوریه و فداکاری و جانفشانی حزب الله بی نظیر بود و در حمایت از دولت سوریه در زمان سخت و مناسب نقش آفرینی کرده‌ایم و همین مسئله باعث شد که معادلات منطقه تغییر کند. (www.tasnimnews.com).

می‌توان گفت که تحقق قدرت هوشمند جمهوری اسلامی ایران در لبنان، بنابر ماهیت قدرت هوشمند، در قالب دو مؤلفه قدرت نرم و سخت صورت پذیرفته است. قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در پارلمان لبنان محقق شده، چنانکه کسب اجازه حزب الله از مقام معظم رهبری مؤید این نکته است: حزب الله پس از پیمان طائف و پس از کسب اجازه از ولی فقیه، آیت الله خامنه‌ای برای مشروعیت در انتخابات پارلمانی ۱۹۹۲ شرکت کرد و از آن پس، تحت تأثیر جمهوری اسلامی ایران و رهنمودهای رهبران آن، همواره در رقابت‌های انتخاباتی پارلمانی، شوراهای شهر و روستا و شهرداری‌ها حضوری فعال داشته است.

ایران به عنوان یکی از قدرتمندترین کشورهای منطقه خاورمیانه، از جنگ رژیم صهیونیستی و لبنان بیشترین نفع را برد و این سؤال را در اذهان ایجاد کرد که ارتش رژیم صهیونیستی که از حمایت امریکا برخوردار است، نتوانست باعث بازدارندگی قدرت موشکی حزب الله شود، چگونه می‌تواند از سامانه موشکی ایران که از قدرت بیشتری برخوردار است جلوگیری کند. این پشتیبانی‌ها باعث شد که جایگاه نظامی و اطلاعاتی ایران افزایش یابد و توانایی بازدارندگی ایران را تقویت کند و موجب رشد جریان‌های اسلام‌گرای مورد حمایت ایران گردید. به دنبال آن، قدرت چانه‌زنی ایران در معادلات منطقه‌ای افزایش یافت و موجب تقویت و ارتقای جایگاه آن در سطح منطقه شد. حزب الله لبنان نیز از اتهام خشونت‌گرایی و اقدامات تروریستی‌هایی یافت و توانست مبارزات خود علیه رژیم اشغالگر قدس را در گستره منطقه‌ای و بین‌المللی مشروعیت بخشد. پیروزی حزب الله در جنگ ۳۳ روزه تأثیر مهمی دیگری هم داشت و آن دگرگونی و تحول در تجربه مقاومت در مقایسه با مقاومت‌های پیشین و رهبری موفقیت‌آمیز و همراه با مقبولیت عامه آن در طرح رویارویی با دشمن است و دیدگاه‌ها نسبت به این حزب به عنوان حزبی که داری ویژگی‌های عالی عقیدتی و مذهبی است، تکوین یافت (شفیعی، ۱۳۸: ۴۲ و ۴۳).

کاهش نقش و جایگاه رژیم صهیونیستی در معادلات امنیتی منطقه

مقاومت غیرقابل انتظار حزب الله در برابر ارتش مجهز رژیم صهیونیستی، موجب شکسته شدن تابوی شکست ناپذیری این رژیم در برابر کشورهای عربی گردید و از لحاظ روانی، تأثیر مثبتی بر ذهنیت حاکمان جهان اسلام ایجاد کرد و اثبات کرد که نهادهای نظامی، اطلاعاتی و سیاسی رژیم صهیونیستی درک درستی از توانمندی های نرم افزایشی و سخت افزاری جنبش حزب الله ندارند. تصویب قطعنامه ی ۱۷۰۱ نشان داد که رژیم صهیونیستی در دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده ناتوان است و در مواقعی که احساس شکست کند، از نفوذ آمریکا در شورای امنیت استفاده می نماید؛ به گونه ای که در مفاد قطعنامه، بر همان خواسته های رژیم صهیونیستی، یعنی خلع سلاح حزب الله، تحویل دو سرباز اسرائیلی و اجرای قطعنامه ی ۱۵۵۹ تأکید شده است.

از طرف دیگر، اعتقاد ایالات متحده به خروجی های نهادهای اطلاعاتی و جاسوسی رژیم صهیونیستی کاهش یافته است و سازمان جاسوسی موساد، نقش مهمی را برای هرگونه تغذیه ی اطلاعاتی در مورد سناریوی حمله ی نظامی احتمالی آمریکا به ایران یا سوریه بازی می کند؛ در حالی که ناکارآمدی این نهادها در شناسایی دقیق مقر سیدحسن نصرالله، کانال های زیرزمینی حزب الله و از بین بردن شبکه ی تلویزیونی المنار موجب شده است که تصمیم گیری نهادهای نظامی -سیاسی آمریکا براساس خروجی های نهادهای جاسوسی اسرائیل با تردیدهایی مواجه گردد که در مورد اطلاعات ارسالی رژیم صهیونیستی در مورد فعالیت های هسته ای ایران با جایگاه قدرت سخت و نرم این کشور نیز می تواند تعمیم داده شود و نحوه ی تعامل با ایران را تا حدودی با چالش یا تأثیر مواجه سازد. به عکس، واحد اطلاعات -عملیات شاخه ی نظامی حزب الله، بسیار بهتر از سازمان موساد عمل کرد که از مصادیق آن می توان، به شناسایی دقیق مکان های هلی برد نیروهای اسرائیلی یا جهت دهی به رزمندگان حزب الله از طریق ارسال کدهایی توسط شبکه ی المنار اشاره کرد که دامنه ی تأثیرگذاری آن از کدرسانی اینترنتی بیش تر است. از طرفی، سیاست رژیم صهیونیستی براساس تجاوزگری و توسعه طلبی ارضی بنا شده است و مقاومت حزب الله نقطه ی عطفی در برابر این توسعه طلبی است.

عقب نشینی ارتش رژیم صهیونیستی از جنوب لبنان زیر ضربات مقاومت و به گونه ای ذلت بار، عملاً باعث بروز فروپاشی هایی در نظریه های نظامی و اصول استراتژی رژیم صهیونیستی شد و بسیاری از باورهای مسلم را در این زمینه نقش برآب کرد. ارتشی که تا قبل از این رویداد،

از آن به عنوان شکست ناپذیر یاد می‌شد و ادعا داشت که با بازوهای قدرتمند و ضربتی خود قادر است همه کشورهای منطقه و سازمان‌های به اصطلاح تروریستی را گوشمالی دهد و با اتکا بر قدرت بازدارندگی خود به آنها بفهماند که حتی برای فکر کردن به انجام هرگونه عملیات علیه رژیم صهیونیستی، باید بهای سیاسی و نظامی سنگینی بپردازند، اینک زیر ضربات دردناک مقاومت در جنوب لبنان برخلاف معهود، بدون دست یافتن به هرگونه امتیازی؛ اعم از معاهده صلح یا ترتیبات امنیتی، مجبور شد فرار را بر قرار ترجیح دهد و در پناه تاریکی شب، افراد خود را از مهلکه خارج نماید.

میلیون‌ها نفر که از طریق صحنه تلویزیون‌های محلی و ماهواره‌ای جریان فرار ارتش صهیونیستی و مزدوران آن را دنبال می‌کردند، مشاهده کردند که این به اصطلاح عقب‌نشینی شکل جنگ و گریز به خود گرفت و همزمان به خروج نیروهای رژیم صهیونیستی، پایگاه‌ها و سنگرهای ارتش مزدور، یکی پس از دیگری زیر آتش نیروهای مقاومت و هجوم انبوه نیروهای مردمی سقوط کرد. مقادیر بسیار زیادی اسلحه، مهمات، ساز و برگ و خودروهای نظامی به جا ماند که توسط نیروهای مقاومت به غنیمت گرفته شده و صدها نفر از مزدوران که کاملاً غافلگیر شده بودند، سنگرها را رها کرده، کوشیدند با اتومبیل خود به آن سوی مرز برسند و به دلیل ازدحام در «گذرگاه فاطمه» اتومبیل‌ها را نیز رها کردند و پیاده از مرز گذشتند. منظره صدها اتومبیل بی‌صاحب و رها شده پشت سیم‌های خاردار که توسط ماهواره‌ها به سراسر جهان مخابره شده، بسیار گویا و پر معنا بود (مهتدی، ۱۳۹۲: ۱ و ۲) به دور از گفتمان تبلیغاتی و سیاسی و با دید صرفاً واقع‌گرایانه می‌توان گفت که تمامی اصول استراتژی نظامی رژیم صهیونیستی زیر فشار این رویداد فروپاشید.

نتیجه‌گیری

سال‌هاست که امریکا و متحدین منطقه‌ای‌اش تلاش دارند خواست و اراده خود را بر اساس علایق و منافع خود هدف‌گذاری و به منطقه تحمیل نمایند از همین رو با حمله نظامی به افغانستان و عراق، تشکیل و حمایت داعش قصد داشتند معادلات سیاسی و نظامی کشورهای منطقه مثل سوریه، عراق و لبنان را مطابق به خواست و اراده خود تغییر دهند تا از این طریق ضمن کاهش و از بین بردن متحدین جمهوری اسلامی، نفوذ انقلاب اسلامی ایران را در منطقه از بین ببرند. ولی جمهوری

اسلامی ایران با استفاده از قدرت نرم خود در بین ملت های مسلمان و تشکیل جبهه مقاومت از ملت ها و کشورهای محور مقاومت حمایت نمود و معادلات آنها را در این زمینه به هم زد و اجازه نداد حکومت های منطقه ای که داخل محور مقاومت بودند سقوط نمایند. با توجه به تکنولوژی موشکی جمهوری اسلامی ایران و استفاده محور مقاومت از این تکنولوژی در راستای اهداف و سیاست های جمهوری اسلامی ایران موجب شده قدرت جمهوری اسلامی ایران در منطقه با بازوانی قوی در محور مقاومت برای همه ملموس و قابل درک باشد.

امروزه دشمنان جمهوری اسلامی ایران می دانند هرگونه تهدید جمهوری اسلامی پاسخی محکم از لشکر های پنهان و خاموش در سراسر جهان خواهد داشت که یک نمونه آن حزب الله لبنان و حوثی های یمن می باشند.

ملاحظات سیاسی - امنیتی کشورهای غربی به دلیل قدرت بازدارندگی جنبش حزب الله پس از جنگ ۳۳ روزه لبنان و رژیم صهیونیستی افزایش یافت و با توجه به تأثیر پذیری که این جنبش از نظام ولایت فقیه و آرمانهای امام خمینی (ره) دارد، هرگونه افزایش قدرت آن به صورت غیر مستقیم نقش و جایگاه ایران را در منطقه ارتقا داده و فرصتهای جدیدی را برای افزایش چانه زنی و قدرت مانور دستگاه دیپلماتی کشور در ریزنیه های سیاسی به وجود آورده است، زیرا افزایش توانمندی مادی و معنوی حزب الله، نوعی بازدارندگی بر اساس ترس و وحشت را در میان ایالات متحده و رژیم صهیونیستی ایجاد کرده است. حزب الله لبنان بازوی توانمند در مقابل با هجمه ها و تهدیدات نظامی بر علیه جمهوری اسلامی ایران می باشد کشورهای غربی خوب می دانند هرگونه اقدام نظامی بر علیه جمهوری اسلامی ایران با عکس العمل حزب الله لبنان بر علیه رژیم اشغالگر قدس و منافع آنها در منطقه روبرو خواهد بود. جنگ های ۳۳ روزه و ۲۲ روزه و همچنین جنگ های رژیم صهیونیستی بر علیه مردم فلسطین اشغالی و جنگ شش ساله عربستان بر علیه مردم یمن ضمن اینکه نشان داد اسرائیل و عربستان و متحدین غربی در مقابل جنگ های نیابتی محور مقاومت بسیار آسیب پذیر می باشد باعث شد قدرت جمهوری اسلامی ایران در منطقه نماد یک قدرت شکست ناپذیر به حساب بیاید. لذا آنها را وادار نموده تا از هرگونه اقدام شتابزده و تصمیم عجولانه نه تنها جمهوری اسلامی ایران و حزب الله، بلکه محور مقاومت خودداری نمایند و این اقدام بازدارندگی بیش از هر چیزی قدرت تأثیرگذاری و چانه زنی جمهوری اسلامی ایران در منطقه را افزایش داده است.

منابع

۱. افتخاری، اصغر (۱۳۸۹). برتری قدرت نرم؛ بازخوانی نظریه جهاد در قرآن کریم، در قدرت نرم و امنیت نرم، تدوین حمید حلمی زاده، ترجمه شیروانی، تهران: امام صادق.
۲. افتخاری، اصغر، و همکاران (۱۳۸۷). قدرت نرم و سرمایه اجتماعی، تهران: انتشارات امام صادق، چ ۱.
۳. آهنین جان، ستار (۱۳۹۹). «نقش و تاثیر رفتارهای حمایتگرانه در پیشبرد و اثر بخشی دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی لبنان)»، فصلنامه علمی جامعه شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، سال ۱، شماره ۱.
۴. بلقزیز، عبدالاله (۱۳۸۹). حزب الله از آزاد سازی تا بازدارندگی، ترجمه علی شمس، تهران: اندیشه سازان نور.
۵. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان و دانش آموزان به مناسبت هفته بسیج و ۱۳ آبان ۸۷/۸/۸.
۶. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با فرماندهان و پرسنل نیروی دریایی ارتش، ۵ آذر ۱۳۸۷.
۷. بیدقی قره بلاغ، آزیتا (۱۳۹۲). رهبری انقلابی سید حسن نصرالله، تهران: موسسه ی اندیشه سازان نور.
۸. بیکی، مهدی (۱۳۸۹). قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی لبنان)، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۹. پوراحمدی، حسین (۱۳۸۹). قدرت نرم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قم: انتشارات بوستان کتاب.
۱۰. جانباز، دیان؛ رحمانی، محسن و عالی بیگی، کاظم (۱۳۹۹). «انقلاب اسلامی ایران، ظهور ژئوپلیتیک شیعه، تغییر موازنه قدرت»، فصلنامه علمی جامعه شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، سال ۱، شماره ۳.
۱۱. دهقانی فیروزآبادی، جلال و فیروزه رادفر (۱۳۸۸). «الگوی صدور انقلاب در سیاست خارجی دولت نهم»، فصلنامه دانش سیاسی، سال پنجم، بهار و تابستان، شماره ۱.
۱۲. رحمانی، مریم (۱۴۰۰). «انقلاب اسلامی ایران و گفتمان سیاسی شیعه در حوزه جغرافیایی عربستان»، فصلنامه علمی جامعه شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، سال ۲، شماره ۲.

۱۳. شفیعی، نوذر (۱۳۸۸). «تأثیر جنگ ۳۳ روزه لبنان بر موقعیت منطقه ای ایران»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی، شماره ۱.
۱۴. شکرزاده چهاربرج، رضا و جعفری فر، احسان (۱۳۹۹). «بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان یمن»، فصلنامه علمی جامعه شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، سال ۱، شماره ۲.
۱۵. طاهری، سید مهدی (۱۳۸۸). «تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان لبنان با تأکید بر جنبش حزب الله»، پژوهش های منطقه ای، شماره ۲، تابستان و پاییز.
۱۶. عسگری، محمود (۱۳۸۶). «شاخص های قدرت منطقه ای»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال ۵، شماره ۱۸، زمستان.
۱۷. گلشن پژوه، محمود رضا (۱۳۸۷). جمهوری اسلامی و قدرت نرم: نگاه به قدرت نرم افزازی جمهوری اسلامی ایران، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۸. محمّدی، منوچهر (۱۳۸۵). بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، چ اول، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۹. معاوی، حمید (۱۳۸۱). چالش های ایران و آمریکا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۰. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۸۷). صحیفه نور، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
۲۱. میلسن، ژان و دیگران (۱۳۸۸). قدرت نرم در روابط بین الملل، ترجمه رضا کلهر و محسن روحانی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۲۲. نای، جوزف (۱۳۸۷). قدرت نرم: ابزارهای موفقیت در سیاست بین الملل، ترجمه سیدمحسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
۲۳. نای، جوزف (۱۳۸۹). «قدرت نرم ابزار موفقیت در سیاست جهانی»، در قدرت و جنگ نرم از نظریه تا عمل، تهران: نشرساقی.